



علی صفری آق قلعہ



تصحیح متون

اصول و منابع

علی صفری آق‌قلعه

تهران

۱۴۰۰



سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی (سمت)
پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی

سرشناسه: صفری آق قلعہ، علی، ۱۳۵۷.

عنوان و نام پدیدآور: تصحیح متون: اصول و منابع / علی صفری آق قلعہ.

مشخصات نشر: تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و

انسانی (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۴۰۱.

مشخصات ظاهری: هشت، ۳۴۸ ص. مصور، نمونه.

فروست: «سمت»؛ ۲۵۰۶. زبان و ادبیات فارسی؛ ۱۲۶.

شابک: ۵-۲۵۴۴-۰۲-۶۰۰-۹۷۸-۱۲۵۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: پشت جلد به انگلیسی: Ali Safari Agh-Ghaleh. Edition of Manuscripts:

Principles and References.

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: نسخه‌های خطی فارسی — ویراستاری

موضوع: Manuscripts, Persian -- Editing

موضوع: ویراستاری — راهنمای آموزشی (عالی)

موضوع: Editing -- Study and Teaching (Higher)

شناسه افزوده: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی

(سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی.

The Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Islamic Sciences and the Humanities (SAMT), Institute for Research and Development in the Humanities.

رده‌بندی کنگره: ۱۴۰۰ Z ۶۶۰۵

رده‌بندی دیویی: ۰۱۱/۳۱

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۸۷۴۱۳۹۵

سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی (سمت)

پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی



تصحیح متون: اصول و منابع

علی صفری آق قلعہ

ویراستار: عادلہ مشایخی

چاپ اول: زمستان ۱۴۰۰

تعداد: ۲۰۰

حروفچینی و لیتوگرافی: سمت

چاپ و صحافی: بصیرت

قیمت: ۱۲۵۰۰۰ ریال. در این نوبت چاپ قیمت مذکور ثابت است و فروشندگان و

عوامل توزیع مجاز به تغییر آن نیستند.

نشانی ساختمان مرکزی: تهران، بزرگراه جلال آل احمد، غرب پل یادگار امام (ره)،

روبه‌روی پمپ گاز، کد پستی ۱۴۶۳۶۴۵۸۵۱، تلفن ۲-۴۴۲۴۶۲۵۰.

www.samt.ac.ir

info@samt.ac.ir

@sazman_samt

این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است.

هر شخص حقیقی یا حقوقی که تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه ناشر، نشر یا پخش یا عرضه یا تکثیر یا تجدید چاپ نماید، مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



رأس همه اصلاحات، اصلاح «فرهنگ» است.

صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۵۶

سخن «سمت»

یکی از اهداف مهم انقلاب فرهنگی، ایجاد دگرگونی اساسی در دروس علوم انسانی دانشگاه‌ها بوده است و این امر، مستلزم بازنگری منابع درسی موجود و تدوین منابع مبنایی و علمی معتبر و مستند با در نظر گرفتن دیدگاه اسلامی در مبنای و مسائل این علوم است. ستاد انقلاب فرهنگی در این زمینه گام‌هایی برداشته بود، اما اهمیت موضوع اقتضا می‌کرد که سازمانی مخصوص این کار تأسیس شود و شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۶۳/۱۲/۷ تأسیس «سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی» را که به اختصار «سمت» نامیده می‌شود، تصویب کرد.

بنابراین، هدف سازمان این است که با استمداد از عنایت خداوند و همت و همکاری دانشمندان و استادان متعهد و دلسوز، به مطالعات و تحقیقات لازم بپردازد و در هر کدام از رشته‌های علوم انسانی به تألیف و ترجمه منابع درسی اصلی، فرعی و جنبی اقدام کند. دشواری چنین کاری بر دانشمندان و صاحب‌نظران پوشیده نیست و به همین جهت مرحله کمال مطلوب آن، باید به تدریج و پس از انتقادات و یادآوری‌های پیاپی ارباب نظر به دست آید و انتظار دارد که این بزرگواران از این همکاری دریغ نورزند.

کتاب حاضر برای دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی به عنوان منبع اصلی برای درس «کارگاه تصحیح نسخه‌های خطی» در مقطع کارشناسی به ارزش ۲ واحد و دروس مشابه در سایر رشته‌ها تدوین شده است. امید است که علاوه بر جامعه دانشگاهی، سایر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند شوند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این سازمان را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران یاری دهند.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	دیباچه
۳	مقدمه
۳	زبان، خط و متون
۴	نسخه خطی، تصحیح نسخه و تصحیح متون
۶	چاپ و نسخه خطی
۸	کهن ترین گزارش ها از چاپ
۹	ابداع صنعت چاپ در اروپا و نخستین چاپ ها از آثار اسلامی
۱۷	تأسیس چاپخانه در سرزمین های اسلامی
۱۸	تأسیس چاپخانه و تصحیح کتب چاپی در امپراتوری عثمانی
۲۳	تأسیس چاپخانه در امپراتوری هند
۲۶	تأسیس چاپخانه در ایران
۲۸	چاپ سنگی
۲۹	آشنایی با نسخه های خطی
۲۹	اجزاء نسخه و نام های هر کدام
۳۳	انواع متون از دیدگاه حجم و ساختار
۳۷	توصیف اجزاء نسخه بر اساس تصاویر دیجیتالی
۳۸	ابره دغه آغاز نسخه
۴۱	آستر دغه آغاز نسخه
۴۱	برگه های آزاد آغاز نسخه
۴۳	فهرست نسخه
۴۳	پشت نسخه
۴۵	آغاز متن (صفحه بسمله)
۴۸	سرلوحه
۴۸	فهرست فصول و ابواب متن
۵۰	تزئینات آغاز نسخه های هنری و تزیینی

۵۰	خاتمه متون
۵۰	انجام و انجامه
۵۳	مقدمه متون
۵۳	خطبه
۵۴	فصل الخطاب
۵۴	متن مقدمه
۵۸	فهرست فصول و ابواب متن
۶۰	تفاوت «فهرست اثر»، «فهرست نسخه» و «فهرست آثار مجموعه»
۶۲	رئوس ثمانیه
۶۵	پیشینه تصحیح در ادوار کهن
۶۵	شیوه‌های پیشینان در مقابله و تصحیح نسخه‌ها
۶۶	نسخه اصل
۶۷	مُسَوَّدَه (/ مُسَوَّدَه)
۷۰	مُبَيَّضَه
۷۶	انتساخ نسخه جدید از روی نسخه‌ای مضبوط
۷۶	مقابله با نسخه منقول عنها
۷۷	مقابله با نسخه‌های دیگر و شیوه‌های ضبط اصلاحات
۷۹	دیگر شیوه‌های تصحیح نسخه‌ها
۸۱	سماع و قرائت
۸۴	بلاغ
۸۷	آگاهی‌های مقدماتی برای تصحیح
۸۷	نام اشخاص و اجزاء آن در ادوار پیشین
۹۳	مقاله و مراجع دستیابی به اطلاعات مقاله‌ها
۹۳	مراجع جستجوی مقالات
۹۵	شیوه‌های ارجاع و تنظیم کتابنامه
۹۶	کلیاتی درباره ارجاع
۹۷	چگونگی ارجاعات به آثار (ارجاع به پدیدآورنده)
۹۸	چگونگی تنظیم کتابنامه (ارجاع به پدیدآورنده)
۱۰۱	معیارهای گزینش متن برای تصحیح
۱۰۶	اهمیت آشنایی کافی با مباحث زبانی و رسم الخطی در تصحیح متون
۱۰۷	زبان و رسم الخط کتاب تصحیحی
۱۰۷	زبان و رسم الخط بخش‌های پژوهشی
۱۰۷	زبان و رسم الخط متن تصحیحی

۱۰۸	لزوم حفظ رسم الخط در مواردی که تغییر زبانی ایجاد می شود
۱۰۹	ویراستاری متون
۱۱۱	مفهوم کلی تصحیح و قواعد عمومی آن
۱۱۱	لزوم پرهیز از تصحیح خطاهای پدیدآورنده اثر
۱۱۳	اصالت ضبط های متن تصحیحی در برابر دیگر منابع
۱۱۴	لزوم پرهیز از تکمیل متن های دارای نسخه های ناقص با منابع جنبی
۱۱۶	بخش های شش گانه برای چاپ متون تصحیح شده
۱۱۷	دییاجه
۱۱۷	مقدمه
۱۱۷	شناساندن متن
۱۲۴	متن تصحیحی (مراحل تصحیح متن)
۱۲۴	ارزیابی نسخه ها
۱۲۵	اصول گزینش اولیه نسخه ها
۱۲۷	شیوه های مقابله و تصحیح
۱۲۷	مقابله و شیوه های ضبط اختلافات نسخه ها
۱۲۸	مواردی که مقابله نسخه ها امکان پذیر نیست یا ضرورت چندانی ندارد
۱۲۹	شرایط گزینش نسخه اولیه برای انتساخ
۱۳۱	نسخه اولیه برای انتساخ (نسخه اساس) و شیوه های تصحیح
۱۳۵	ضرورت حروف نگاری متن در نرم افزارهای نشر
۱۳۶	چگونگی ثبت اختلافات نسخه ها
۱۳۸	منابع تصحیح متن
۱۵۱	چگونگی رویارویی با واژه های متن
۱۵۲	واژه های شاذ و منابع بررسی آنها
۱۵۴	واژه های عربی در متون فارسی
۱۵۵	لزوم توجه به فضای اجتماعی یا ویژگی های شخصیتی پدیدآورنده
۱۵۶	چگونگی برخورد با عناصر تصویری متون (در تصحیح و چاپ)
۱۵۹	تصحیف و تحریف در متون
۱۶۳	تصحیف و نقطه گذاری حروف
۱۶۴	لزوم توجه به صنایع ادبی
۱۶۵	لزوم توجه به ضبط های دوگانه واژه ها و اصطلاحات یا روایت های گوناگون از یک موضوع
۱۶۶	لزوم توجه به شعرهای متن و کاربرد قواعد شعری در تصحیح
۱۶۸	قاعده اجماع یا کثرت یک ضبط در نسخه ها
۱۶۹	کاربرد اختصارات، رموز و نشانه ها در متون و نسخه های خطی
۱۸۲	تصحیح اطلاعات تاریخ و تراجم در یک متن

۱۸۵	تصحیح گروهی و ملزومات آن
۱۸۷	ضرورت توجه به نسخه‌شناسی
۱۸۷	کاربرد نسخه‌شناسی در تشخیص تاریخ نسخه‌های بی تاریخ
۱۸۹	جعل و دست کاری در تاریخ نسخه
۱۹۵	تشخیص جعل و دست کاری انجامه نسخه‌ها
۲۰۱	کاربرد نسخه‌شناسی در تشخیص میزان افتادگی های نسخه
۲۰۴	تعلیقات و یادداشت‌ها
۲۰۵	محدوده تعلیقه‌نویسی
۲۰۶	مواردی که نیاز به تعلیقه دارد
۲۰۷	تخریج
۲۰۸	نمایه‌ها
۲۱۴	کتابنامه
۲۱۵	فهارس و منابع کتاب‌شناسی
۲۱۶	آشنایی با انواع فهرست‌ها
۲۱۷	فهرست‌های کهن
۲۱۸	فهرست‌های کهن فراگیرنده آثار علوم گوناگون
۲۲۲	فهرست‌های کهن آثار نویسندگان یک مذهب
۲۲۵	فهرست‌های کهن از تألیفات یک نویسنده
۲۲۶	فهرست‌های نوین
۲۲۷	فهرست کتابخانه‌ها و مجموعه‌های دارای نسخ خطی
۲۳۴	فهرست‌های مشترک
۲۵۱	کتاب‌شناسی‌های آثار چاپی
۲۵۴	کتاب‌شناسی‌های فهرس (شناسایی کتابخانه‌ها و مجموعه‌های خطی کشورها)
۲۵۷	بانک‌های اطلاعاتی در زمینه نسخه‌های خطی و متون چاپی در ایران
۲۵۹	مرجع‌شناسی تصحیح متون
۲۶۳	منابع تعریفات علوم (موضوعات العلوم)
۲۶۷	متون و مراجع جغرافیایی
۲۷۴	متون و مراجع تصحیح اطلاعات تاریخی و تراجم
۲۷۴	طبقه‌بندی و شناسایی انواع متون تاریخ و تراجم
۲۷۷	منابع گاه‌شماری حکومت‌ها و تبارشناسی سلسله‌های حکومتی جهان اسلام
۲۸۱	گونه‌های متون تاریخ در دوره اسلامی
۳۰۳	گونه‌های متون تراجم
۳۲۰	آثار ملل و نحلی، قوم‌شناسی و فرقه‌شناسی
۳۲۵	کتابنامه

دیباچه

این کتاب برای آموزش اصول تصحیح متون تألیف و ساختار آن، بیشتر با هدف آموزش به دانشجویان و نوآموزان تنظیم شده است؛ هرچند بخش‌هایی از آن می‌تواند برای آشنایان با مقوله تصحیح هم سودمند باشد.

برای این مقصود، قواعد عمومی و ضروری‌ترین مباحث مرتبط با تصحیح متون در کتاب مطرح شده و به‌ویژه، شناسایی منابع یا مرجع‌شناسی تصحیح، مورد تأکید بیشتری قرار گرفته است.

بخشی از این مراجع - مانند فهرستگان نسخه‌های خطی - جزو ابزار اصلی و ویژه تصحیح به شمار می‌آیند که درباره آن‌ها به تفصیل بیشتر گفتگو شده است. بخشی دیگر از مراجع، علاوه بر تصحیح، در بسیاری از علوم انسانی کاربرد دارند و در منابع مرجع‌شناسی، کمابیش به آن‌ها پرداخته شده است. در این کتاب، با توجه به میزان تأثیر و اهمیتی که این مراجع در فرایند تصحیح دارند، به شناسایی تفصیلی یا مختصر آن‌ها پرداخته شده است.

باید توجه داشت که بخش عمده‌ای از موفقیت در تصحیح متون، ماحصل تجربیات پیشین یک مصحح است و این موضوعی نیست که بتوان با یک یا چند کتاب به آموزش آن پرداخت. درواقع آنچه بیشتر در آغاز کار لازم می‌نماید، معرفی زوایای گوناگون موضوع و به‌ویژه شناسایی منابع تصحیح است. وقتی مصحح با این موضوعات و منابع آشنا شد، رفته‌رفته در جریان کار با زوایای بیشتر و منابع گسترده‌تری آشنا خواهد شد.

چون انتظار نمی‌رود که یک مصحح تازه‌کار، تجربیات گسترده‌ای در این زمینه داشته باشد، کوشش شد تا مهم‌ترین منابعی که استفاده از آن‌ها برای آغاز کار ضروری است، در بخش‌های گوناگون معرفی شود. البته منابع گوناگونی هم هست که شناساندن آن‌ها در کتابی با این حجم امکان‌پذیر نیست. برای نمونه، خواندن نقد‌های خوبی که بر تصحیحات نوشته شده، یکی از بهترین منابع برای آموزش چگونگی رویارویی با مشکلات متون است، اما این موارد را باید هر مصحح تازه‌کاری با توجه به متنی که در نظر دارد جستجو و مطالعه کند. مطالعه تصحیحات دانشمندان طراز اول تصحیح - مانند علامه محمد قزوینی، علامه جلال همایی و

دکتر محمد معین - نیز می‌تواند راهنمای خوبی در چگونگی تصحیح متون باشد. چون در مقولاتی مانند تصحیح، جنبه عملی بر دیگر جنبه‌ها می‌چربد، کوشش شد تا به جنبه‌های نظری، فقط در حد نیاز پرداخته و برای بیشتر مباحث نظری نیز نمونه‌ها و مثال‌هایی ارائه شود.

برخی مهارت‌ها مانند خواندن خطوط گوناگون از مواردی است که با ممارست به دست می‌آید. با این حال، داشتن نمونه‌های خوانده‌شده و مقایسه آن‌ها با اصل نسخه‌ها می‌تواند یاریگر خوبی برای نوآموزان باشد. به همین دلیل کوشش شد تا همه انجامه‌ها یا نمونه‌های خطوطی که در کتاب یاد شده است با بازخوانی نوشته‌های ضروری آن‌ها همراه باشد. در این موارد بهتر است که خواننده کتاب نخست کوشش کند تا این موارد را از روی نسخه بازنویسی و پس از آن، خوانش خود را با شکل بازخوانی‌شده کتاب مقایسه کند. باید توجه داشت که ممارست در خوانش انواع خطوط، مصححان را از بسیاری لغزش‌ها برکنار می‌دارد؛ به‌ویژه خوانش خطوط خانواده ثلث و تعلیق که صورت‌های شکسته‌نویسی در آن‌ها کاربرد بیشتری دارد.

نکته دیگری که باید به آن توجه داشت این است که فن تصحیح، یک فرایند پژوهشی پویاست که همواره باید در آن به راهکارهای بهتر اندیشید و به همین دلیل نباید آن را در کالبد مجموعه‌ای از قواعد و قوانین تغییرناپذیر محدود کرد. بنابراین، پژوهشگری که تصحیح را به عنوان یکی از شاخه‌های پژوهشی خود در نظر می‌گیرد، باید همواره خود را برای اندیشیدن درباره زوایای کار و نوآوری در موارد ضروری آماده کند. با چنین دیدگاهی، پس از مدتی درخواهد یافت که تصحیح و آشنایی با متون، منبعی غنی و ارزشمند برای پژوهش‌های گوناگون و پرورش علمی مداوم مصحح است. بنابراین، هدف ما از تدوین این کتاب، بیش از هر چیز ارائه مقدماتی برای ورود به این شاخه پژوهشی و مهم‌تر از آن، ایجاد این دیدگاه است که هر پژوهشگر و مصححی باید همواره پویایی در پژوهش و اندیشیدن را سرلوحه خود قرار دهد تا بتواند شخصیت علمی و پژوهشی آینده خود را به عنوان یک محقق تثبیت کند.

در پایان این دیباجه جا دارد سپاسی داشته باشم از مدیران سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی (سمت) که نگارش این کتاب را به اینجانب سپردند؛ به‌ویژه دکتر عبدالرسول فروتن و دکتر مصطفی موسوی که در این زمینه به اینجانب لطف داشتند. امیدوارم این کتاب راهنمای کارآمدی برای آشنایی با مقوله تصحیح باشد.

علی صفری آق قلعہ

بهار ۱۴۰۰ خ

مقدمه

زبان، خط و متون

انسان برای انتقال اندیشه‌ها و احساسات خود از دیرباز راه‌های گوناگونی را ابداع کرده، اما مهم‌ترین گام در این زمینه، کاربرد «زبان» در شکل‌های گوناگون آن بوده است. روشن است که آنچه به صورت گفتاری بیان می‌شود، فقط در همان هنگام و جایگاه گفتگو منتقل می‌شود و پایدار نیست؛ لذا ابداع «خط»، مهم‌ترین راهکار برای ثبت و انتقال مفاهیم زبانی، فارغ از زمان و مکان بوده است.

این پایداری انتقال مفاهیم به وسیله خط موجب شده است تا نوشته‌هایی که از پیشینیان بر جای مانده، مهم‌ترین وسیله آگاهی ما از چگونگی زندگی، اندیشه، احساسات و همچنین مجموعه دانش‌ها و هنرهای پدید آمده توسط آنان باشد.

این نوشته‌ها میراث مکتوب بشری را تشکیل می‌دهند و هر کدام از اقوام و ملل دنیا، با توجه به پیشینه ورود خود به عرصه فرهنگ و تمدن، از ادوار دور یا نزدیک به پدید آوردن آثار مکتوب پرداخته‌اند. ایران نیز به عنوان یکی از تمدن‌های بزرگ و دیرینه، دارای آثار مکتوب چندین هزار ساله است. کهن‌ترین نمونه‌های بر جای مانده این آثار، شامل تعدادی از نوشته‌های دوره هخامنشی (۵۵۹-۳۳۰ پ. م) است که مشتمل بر کتیبه‌ها یا گل‌نبشته‌هایی به زبان «فارسی باستان»^۱ و با «خط میخی» است. بخشی دیگر از این آثار، متون مرتبط با «ادبیات اوستایی» است که شامل بخش‌هایی از کتاب اوستا و آثار وابسته به آن هستند و زبان آن‌ها «اوستایی» نامیده می‌شود. پس از آن، آثاری به «فارسی میانه» در دست است که خود شامل چند گونه زبانی می‌شود.^۲

۱. برخی از کتیبه‌ها و گل‌نبشته‌های هخامنشی به زبان عیلامی و بعضاً برخی زبان‌های دیگر و حتی برخی از آن‌ها چندزبانی هستند.

۲. عمده آثار بازمانده از این ادوار در کتاب تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام شناسانده شده است (تفضلی، ۱۳۸۳).

این آثار درواقع متونی هستند که در دوره پیش از اسلام پدید آمده‌اند^۱ و شمار آن‌ها نسبتاً اندک است. از سویی چون ساختار زبانی این آثار با زبان فارسی امروزی تفاوت دارد، بررسی آن‌ها نیازمند آشنایی با آن زبان‌هاست که معمولاً پژوهشگران رشته‌های خاصی چون زبان‌های باستانی و ایران‌شناسی آن‌ها را بررسی می‌کنند.

اما جز این‌ها، عمده متون مکتوبی که از نیاکان ما بر جای مانده مربوط به آثار پدیدآمده در دوره اسلامی است. عمده این آثار به زبان عربی نگاشته شده‌اند، اما بخش قابل توجهی از آن‌ها نیز به زبان فارسی هستند. معدودی از آثار نیز به زبان‌های ترکی، اردو و برخی دیگر از زبان‌های سرزمین‌های اسلامی نگاشته شده‌اند که البته سهم ایرانیان در نگارش به این زبان‌ها اندک است.

بنابراین، آنچه در مقوله تصحیح متون در ایران با آن سروکار داریم، عمدتاً مربوط به متون فارسی، عربی و ندرتاً ترکی و اردوست. از سویی، به این دلیل که زبان فارسی زبان ملی ایران است، پژوهش و تصحیح متون فارسی معمولاً نسبت به زبان‌های دیگر اولویت بیشتری دارد، اما باید توجه داشت که آثار دیگر زبان‌ها نیز گاه اطلاعات بسیار سودمندی در زمینه شناسایی فرهنگ و تمدن ایرانی دارند و لذا تصحیح متون زبان‌های عربی و ترکی و حتی اردو نیز در برخی موارد برای شناخت فرهنگ و تمدن ایرانی ضرورت دارد.

نسخه خطی، تصحیح نسخه و تصحیح متون

تکثیر متون به صورت انبوه در ادوار گذشته رایج و امکان‌پذیر نبود و ناگزیر، تکثیر کتاب‌ها به صورت تکی و به وسیله کاتبان انجام می‌شد. این کتاب‌های نوشته شده با دست را اصطلاحاً «نسخه» یا «دست‌نویس» می‌نامیم.

بخش بسیار اندکی از نسخه‌های بازمانده از ادوار پیشین به خط مؤلف هستند و عمده نسخه‌ها در ادوار پس از مؤلف، به وسیله کاتبان رونویسی (کتابت/انتساخ) شده‌اند. چنان که اشاره خواهد شد، در کتابت نسخه‌هایی که به خط مؤلف نیستند، امکان بروز اشتباهات گوناگونی وجود داشت و گاهی نادرستی‌هایی در آن‌ها راه می‌یافت که هر کدام ماحصل عوامل گوناگون بوده است. برای روشن شدن موضوع یک مثال می‌زنیم:

اگر امروز بخواهیم یک متن کهن فارسی - مثلاً کلیله و دمنه - را از روی متن چاپی تصحیح شده آن مطالعه کنیم، گاه نیاز می‌شود که برای فهم هر بند و بعضاً هر سطر اثر به لغتنامه‌ها

۱. البته بخشی از متون زبان پهلوی در دوره پس از اسلام تألیف و تدوین شده‌اند.

رجوع کنیم. حتی گاهی ممکن است برای فهم یک عبارت، استفاده از لغتنامه‌ها کافی نباشد و ناگزیر از رجوع به منابع متعددی شویم. خوشبختانه در عصر ما منابع چاپی و کتابخانه‌ها تا حد قابل توجهی در دسترس هستند و حتی می‌توان برخی از مشکلات را با جستجو در اینترنت حل کرد یا پرسش خود را در شبکه‌های اجتماعی مطرح کرد و از دیگر پژوهشگران برای حل موضوع کمک خواست.

این حجم از امکانات در ادوار پیشین وجود نداشت و مثلاً یک کاتب در سده هشتم که کتابت چنین متنی به او سفارش داده می‌شد، امکانات چندانی برای اطمینان از درست بودن نسخه در دسترس نداشت. او باید پیش از هر چیز سعی می‌کرد تا متن را در کوتاه‌ترین زمان رونویسی کند. قاعدتاً وی ناگزیر بود که نسخه جدید را از روی یک نسخه دیگر (نسخه منقول عنها) رونویسی کند که چه‌بسا چندان خوش‌خط و خوانا نبوده یا حتی به وسیله کاتبی کم‌سواد و با اغلاط فراوان کتابت شده بود. در چنان حالتی که کاتب به کتاب‌های متعدد دسترسی نداشت و اینترنت و صدها امکانات مدرن امروزی نیز برای حل مشکلات در دسترس نبود، ناگزیر بخشی از نادرستی‌ها و کاستی‌ها در نسخه کتابت شده او بر جای می‌ماند.

جز این‌ها شرایط دیگری در کتابت وجود داشت که در میزان درستی نسخه تأثیر گذار بوده است. برای نمونه، میزان سواد کاتب و نیز اندازه آشنایی او با متنی که در حال کتابت آن بود. همچنین گاهی سهوهای بشری از قبیل افتادگی عبارات یا نادرست خواندن یک واژه و خستگی کاتب موجب افزودن اشتباهاتی در نسخه جدید می‌شد.

با توجه به همین شرایط گوناگون و لغزش‌های فراوانی که ممکن بود در جریان کتابت نسخه‌ها پیش آید، از همان ادوار پیشین، راهکارهایی ابداع شده بود تا با رعایت آن‌ها بتوان تا جای ممکن از بروز اشتباهات در کتابت نسخه‌ها جلوگیری کرد. این گونه شیوه‌ها را «تصحیح نسخه» می‌نامیم و در همین کتاب به آن خواهیم پرداخت.

جز این، در یکی دو سده اخیر که چاپ متون کهن رواج روزافزونی یافت و تحقیق و انتشار آن‌ها مورد توجه مستشرقان و دانشمندان ایرانی قرار گرفت، روش‌هایی برای تصحیح علمی و دقیق متون از راه گردآوری نسخه‌های یک اثر و سنجش آن‌ها با یکدیگر مورد استفاده قرار گرفت که اصطلاحاً از آن به «تصحیح متون» تعبیر می‌کنیم و کتاب کنونی عموماً برای آموزش مقدماتی این روش‌ها تدوین شده است.

قاعدتاً بسیاری از دانشجویان و علاقه‌مندان رشته‌های علوم انسانی تاکنون با چاپ‌های متون کهن ایرانی و اسلامی رویاروی شده‌اند. در این صورت، به احتمال بسیار در مقدمه چاپ‌های این متون به بخش‌های مرتبط با شیوه کار مصححان و چگونگی توصیف نسخه‌های مورد استفاده در تصحیح برخورد کرده‌اند. بنابراین ممکن است بسیاری از خوانندگان تصویری کلی از مفهوم تصحیح در ذهن داشته باشند؛ با این حال باید توجه داشت که آنچه در مقدمه کتاب‌ها درباره شیوه تصحیح نوشته شده، شامل کلیاتی درباره شیوه کار مصحح است و بسیاری از ظرایف فن تصحیح و منابع آن در این مقدمه‌ها تشریح نشده است.

با توجه به این موضوع، از دو سه دهه پیش بدین سو، کتاب‌ها و رسالاتی درباره شیوه تصحیح متون در ایران و به‌ویژه کشورهای عرب‌زبان به چاپ رسیده که هر کدام متناسب با اهدافی که داشته‌اند، به جوانب گوناگون موضوع پرداخته و در جایگاه خود بسیار سودمند بوده‌اند. با این حال برخی از این منابع صرفاً به یک گوشه از موضوع پرداخته و فراگیر نیستند، یا در آن‌ها به «مبانی نظری تصحیح» و مباحث جنبی بیشتر پرداخته شده و گاه حجم این مباحث چنان گسترده شده که «آموزش عملی تصحیح» در آن‌ها به حاشیه رانده شده است.

با توجه به این موضوع و نیز به دلیل نیاز گسترده‌ای که در شاخه‌های علوم انسانی به مقوله تصحیح وجود دارد، تدوین درسنامه تصحیح متون ویژه دانشجویان علوم انسانی بایسته می‌نمود و کتاب کنونی گامی در نیل به این مقصود است.

چاپ و نسخه خطی

امروزه صنعت چاپ چنان پیشرفته شده و چنان کاربرد گسترده‌ای در زندگی ما یافته است که شاید برای امروزیان متصور نباشد که در گذشته برای چاپ و تکثیر نوشته‌ها چه روند دشوار و زمان‌گیری پیموده می‌شد. امروزه هر کسی می‌تواند پشت رایانه‌اش بنشیند و نوشته حروف‌نگاری شده خود را با یک دستگاه چاپگر به آسانی چاپ کند، اما در گذشته چنین نبود. آن‌هایی که یکی دو نسل پیش از این زاده شده‌اند به یاد دارند که تا چند دهه پیش رایج‌ترین شیوه چاپ کتاب‌ها «چاپ سری» بود. در آن شیوه، برای هر کدام از حروف الفبا - با شکل‌های گوناگونی که به صورت مفرد یا در اتصال به حروف پیش و پس از خود دارند - حروفی طراحی می‌شد و این حروف را با آلیاژی از فلز سرب ریخته‌گری و ماشین کاری می‌کردند و سپس افرادی که پیشه آن‌ها حروفچینی بود، متن نوشته‌ها را به صورت معکوس در

قاب‌های مخصوصی حروفچینی می‌کردند. در نهایت، این صفحه حروفچینی شده را به دستگاه چاپ می‌بستند تا نوشته‌ها بر روی کاغذ منتقل شود.

آنچه یاد کردیم مربوط به چند دهه گذشته است که به هر حال صناعی چون ریخته‌گری و فلزکاری به پیشرفت قابل توجهی رسیده بود. در این دوره وسایل نقل و انتقال هم پیشرفت چشمگیری یافته بود و اگر صنعت یک کشور، چندان هم پیشرفته نبود، باز هم می‌شد دستگاه‌ها و مایحتاج چاپ را از کشورهای دیگر وارد کرد. حال اگر تصور کنیم در چند قرن پیش‌تر که صنایع، پیشرفت چندان نیافته و راه‌های مراسلاتی کارآمدی نیز ساخته نشده بود و لوازم حمل و نقل هم چندان مهیا نبود، دستیابی به ابزار چاپ تا چه اندازه دشوار بوده است. مثلاً ساختن حروف الفبای سربی با اندازه‌های کوچکی که دارند، نیازمند فنون دقیق ریخته‌گری و ماشین‌کاری بود که لازمه‌اش سال‌ها پژوهش و تجربه در امور صنعتی و پرورش نیروی کار ماهر بوده است که هر کشوری از آن برخوردار نبود.

نکته بایسته توجه دیگر آنکه جمعیت و میزان سواد مردم نیز در آن روزگار چندان گسترش نیافته بود تا کتاب‌ها دارای خوانندگان فراوانی باشد. بنابراین، چاپ انبوه کتاب‌ها از تعداد خوانندگان افزونی می‌گرفت و لذا چندان مقرون به صرفه نبود. این موارد، به عدم پیشرفت و رواج صنعت چاپ می‌انجامید.

در ادوار دور، حتی در کشورهای فرنگی که نسبت به شرق پیشرفته‌تر بودند، کهن‌ترین نمونه‌های آثار چاپی، مربوط به آثار دینی و بعضاً سفرنامه، داستان و رمان بود که مورد استفاده دو گروه عمده تحصیل‌کردگان یعنی فارغ‌التحصیلان علوم دینی و حاکمان و ثروتمندان تحصیل کرده قرار داشت. یعنی گروهی که نسبت به طبقه عوام، امکانات و تمایل و نیاز بیشتری به خرید کتاب داشتند. ضمناً چون نسبت این افراد به کل مردمان هر سرزمین اندک بود، لذا تولید انبوه و چاپ کتاب نیز محدودیت داشت. بنابراین رواج و بعضاً اجباری شدن «آموزش عمومی» در یکی دو سده اخیر و همچنین گسترش دانش‌های گوناگون - به‌ویژه علوم طبیعی - و پیشرفت صنایع، در گسترش صنعت چاپ بسیار مؤثر بوده است. به همین دلایل، چاپ کتاب در موضوعات و دانش‌های مختلف، عمده‌تأسیس از سده نوزدهم میلادی رونق گرفت و آنچه پیش از این دوره منتشر شده، چندان فراگیر نبوده است.

نکته دیگر که باید توجه داشت اینکه بخشی از آثار چاپی نیز امروزه از دیدگاه بررسی تاریخ‌اندیشه و سیر انتشار آثار مکتوب، اهمیت ویژه دارند. به‌خصوص که بخشی از منابع مکتوب دوره اسلامی، پیش از سده هجدهم میلادی به‌صورت چاپی منتشر شده‌اند و همین منابع چاپی نیز

گاه چنان کمیاب هستند که ارزشی هم‌سنگ با نسخه‌ها دارند. به همین دلیل لازم است تا با پیشینه چاپ - به‌ویژه در سرزمین‌های اسلامی - آشنایی هرچند مختصری داشته باشیم.

کهن‌ترین گزارش‌ها از چاپ

کهن‌ترین گزارش‌هایی که از چاپ می‌شناسیم مربوط به «چاپ لوحی» است. در این شیوه، متن مورد نظر را بر روی لوحه‌هایی - عمدتاً از جنس چوب - نقر می‌کردند و با آغشته کردن سطح لوحه به جوهر، نوشته‌ها را بر روی کاغذ منتقل می‌کردند؛ چیزی مانند مهرهای امروزی یا قلم‌کاری در پارچه‌ها.

شواهد نشان می‌دهد که این شیوه اصولاً در ایران رایج نبوده، زیرا کاربرد آن برای چاپ کتاب در ادوار کهن ایران گزارش نشده است. البته ایرانیان از چنین شیوه‌ای آگاهی داشته‌اند اما ظاهراً هرگز آن را برای چاپ کتاب به کار نبرده‌اند. برای نمونه نویسنده سده هفتم و هشتم هجری محمد بن محمد بن داود پناکتی در کتابش *روضة اولی الالباب فی معرفة التواریخ و الانساب* (نگاشته ۷۱۷ ق) درباره چاپ لوحی برخی از متون در سرزمین ختای گزارشی مفصل دارد:

چون بهترین کتب آن تواند بود که درست باشد و خطش به غایت خوب و مجال تغییر و تبدیل در آن نه، رعایت این هر سه معنی را وضعی کرده‌اند که هر کتاب که نزد ایشان معتبر افتاد، خطاطی خوش‌نویس را حاضر کرده‌اند تا هر صفحه از آن کتاب به خطی پاکیزه بر لوحی نوشته است و تمام داندگان آن قسم به احتیاط تمام مقابله و تصحیح آن کرده و خط خویش بر ظهر آن لوح مثبت گردانیده. آنگاه نقاران^۱ ماهر استاد را فرموده تا آن را نقاری^۲ کرده‌اند. و چون از تمام کتاب بر این طریق نسخه گرفته‌اند و بر هر یک، عدد آن بر توالی نوشته، آن لوح‌ها را همچون سکه دارالضرب^۳ در کیسه‌ها به مهر امانا به معتمدان معین سپرده‌اند و در دکان‌های مخصوص به آن مصلحت نهاده و بر آن عَمال، تمغایی معین و مقرر گردانیده. به هر وقت که کسی نسخه‌ای از آن خواهد، پیش آن جماعت رَوَد و حقوق معین و مؤونات آن بدهد، ایشان لوح‌های آن کتاب بیرون آرند و بر مثال سکه زر بر اوراق کاغذ نهند و به وی تسلیم کنند (بناکتی، ۱۳۴۸: ۳۳۸-۳۳۹).

۱. چاپ: «نقدان». متن بر اساس کهن‌ترین نسخه اثر (شماره ۳۰۲۶ کتابخانه ایاصوفیا، مورخ ۷۴۶ ق، ص ۱۱۲ پشت) است.

۲. چاپ: «نقادی». متن بر اساس همان نسخه است.

۳. سکه: دو قالب فولادی که نقش‌های رو و پشت مسکوکات را بر آن ایجاد کرده، تکه زر یا سیم را میان آن‌ها نهاده، نقش ایجاد می‌کردند. امروزه لفظ سکه را برای مسکوکات به کار می‌بریم.

این عبارات نشان می‌دهد که اهل ختای پس از تصحیح یک متن توسط چند دانشمند، آن را بر روی الواحی حکاکی می‌کردند و آن‌ها را شماره‌گذاری و مهر و موم کرده، در دکان‌های مخصوصی نگهداری می‌کردند. پس از آن، هر کس که نیازمند نسخه‌ای از آن اثر بود، پولی پرداخت می‌کرد تا با استفاده از آن الواح برایش نسخه‌ای بر روی کاغذ چاپ کنند. ضمناً این گزارش نشان می‌دهد که چاپ‌های مذکور بر اساس سفارش مشتری انجام می‌شد و چنین نبود که متولیان این کار، کتاب را در نسخه‌های متعدد چاپ کنند و در انتظار مشتری بنشینند.

نکته‌ای که باید در اینجا توجه داشت آنکه خط چینی دارای حروف الفبای مجزا نیست، بلکه هر واژه دارای شکل ویژه خود است. به همین دلیل، در خط آن‌ها این امکان وجود نداشت که همه واژه‌ها را از ترکیب چند حرف معدود (حروف الفبا) بنویسند. احتمالاً به همین دلیل برای چینیان امکان گسترش چاپ و حروفچینی به شیوهٔ امروزی پدید نیامد و در حد همان چاپ لوحی باقی ماند.

خط عربی/فارسی نیز با اینکه از حروف مجزا تشکیل شده، اما شیوهٔ پیوسته‌نوشتن حروف به یکدیگر و شکل‌های متعددی که از آن‌ها حاصل می‌شود، کار چاپ را بسیار دشوار می‌کرد؛ زیرا مثلاً حرف «ق» به صورت جدا و همچنین در اتصال به حروف قبل و بعد، به شکل‌های مختلفی بدل می‌شود. برای نمونه حرف قاف برای اتصال به حروف قبل و بعد، چهار شکل به خود می‌گیرد: ق (تنها)، ق (پیوسته به حرف قبل)، ق (پیوسته به حرف بعد)، ق (پیوسته به حروف قبل و بعد). به همین دلیل در طراحی حروف سریبی ناگزیر باید برای هر شکل، حروف متعددی تهیه می‌شد و این به دشواری کار چاپ می‌افزود.

شاید به همین دلیل، نخستین کوشش‌ها برای چاپ با حروف مجزا^۱ در کشورهای فرنگی به ثمر نشست؛ زیرا آن‌ها برای نوشتن کلمات از حروف الفبایی استفاده می‌کردند که هر کدام مجزا و مستقل بود و در کاربرد با حروف دیگر به شکل‌های گوناگون بدل نمی‌شد. در نتیجه با تعداد اندکی از حروف می‌توانستند همهٔ واژه‌های لازم را حروفچینی کنند.

ابداع صنعت چاپ در اروپا و نخستین چاپ‌ها از آثار اسلامی
بررسی تاریخچهٔ صنعت چاپ نشان می‌دهد که چاپ با حروف مجزا و به وسیلهٔ دستگاه‌های

۱. یا به عبارتی حروف قابل انتقال (movable types).

مکانیکی را نخستین بار در حدود سال‌های ۱۴۳۶ تا ۱۴۴۴ م یوهان گوتنبرگ^۱ ابداع کرد.^۲ بنابراین از ابداع چاپ سری بیش از پانصد و پنجاه سال گذشته و این تقریباً مصادف با نیمه سده نهم هجری یعنی دوره تیموریان در ایران است.

در آغاز این دوره، فرنگیان عمدتاً به انتشار آثار مرتبط با دین و فرهنگ خود می‌پرداختند و مدتی گذشت تا چاپ متون شرقی و به‌ویژه آثار عربی و فارسی در آن سرزمین‌ها مورد توجه قرار گیرد.

جالب توجه اینکه نخستین آثار چاپ‌شده فرنگیان به زبان‌های عربی و فارسی، آثاری در زمینه‌های مرتبط با دین مسیحیت و در واقع آثاری تبلیغی یا آثار مورد استفاده اقلیت‌های دینی مستقر در کشورهای اسلامی بوده‌اند. نخستین متن چاپی شناخته‌شده به زبان عربی، کتاب *صلاة السواعی* است که در شهر «فان»^۳ در سال ۱۵۱۴ م یعنی کمتر از صد سال پس از ابداع صنعت چاپ منتشر شده است (ناشناس، ۱۵۱۴).^۴ این اثر، از گونه کتاب *ساعات*^۵ است که در آن‌ها مطالب گوناگون مورد نیاز دین‌داران مسیحی^۶ گردآوری می‌شد (تصویر ۱).

همچنین کهن‌ترین متن شناخته‌شده چاپی به زبان فارسی، *داستان مسیح (مرآت‌القدس)* اثر مبلغ اسپانیایی پادری زیرونیمو شویر^۷ است (تصویر ۲). این متن، نوعی زندگی‌نامه عیسی مسیح بر اساس اناجیل اربعه است که اصل لاتینی آن همراه با متن فارسی در سال ۱۶۳۹ م در شهر لیدن هلند به چاپ رسیده است (Xavier, 1639).^۸

1. Johannes Gensfleisch zur Laden zum Gutenberg (1400-1468).

۲. مهم‌ترین اثر او کتاب *مقدس گوتنبرگ* (Gutenberg Bible) است که در ۱۴۵۴ م منتشر شد، اما پیش از آن نیز چند اثر کوچک منتشر کرده بود که به دلیل عدم ثبت اطلاعات ناشر، آگاهی دقیقی از جزئیات آن‌ها در دسترس نیست.

۳. فان (Fano) یکی از شهرهای ایتالیا است.

۴. درباره شماری دیگر از اقدم آثار چاپی عربی نک: Schnurrer 1799؛ که منبعی به زبان لاتین است اما شماری از اقدم چاپ‌ها را یکجا شناسانده است (درباره *صلاة السواعی* نک: Ibid., 5/5).

5. *Book of Hours*

۶. مانند دستورالعمل‌های عبادات، نماز و دعاها.

7. P. Hieronymo Xavier (1549-1617).

۸. متن *داستان مسیح* را که نوعی «دیا تسرون» به شمار می‌آید، اندکی پیش‌تر به فرمان جلال‌الدین اکبر (حک ۱۵۶۳-۱۰۱۴ ق) پادشاه تیموری هند زیرونیمو شویر از انجیل و منابع دیگر در شهر آگره تألیف کرد و سپس ترجمه فارسی آن با همیاری عبدالستار بن قاسم لاهوری آغاز شد و در سال ۱۶۰۲ م (۱۰۲۷ ق) در دوره پادشاهی جهانگیر بن اکبر (حک ۱۰۱۴-۱۰۳۷ ق) به پایان رسید. عبدالستار در مجالس جهانگیری به یکی از مناظرش با زیرونیمو در سال ۱۰۱۹ ق اشاره کرده است (لاهوری، ۱۳۸۵: ۲۹-۳۷). کتاب *داستان مسیح* ←

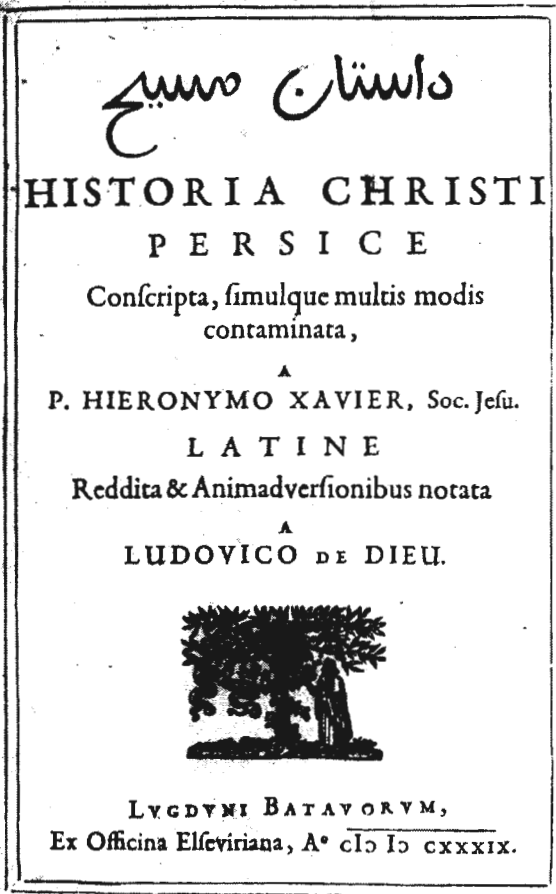
البته آثار چاپی اروپا لزوماً متون دینی و تبلیغی نبودند، بلکه در آن میان، تعدادی آثار مرتبط با علوم پایه و آموزش زبان و ادبیات عربی و فارسی نیز دیده می‌شود. از شاخص‌ترین نمونه‌های آن می‌توان به کتاب‌های چاپ‌شده در چاپخانه مدیچی^۱ در شهر رم ایتالیا اشاره کرد



تصویر ۱

→ هم‌زمان با دو متن دیگر یعنی داستان سن پدرو (*Historia S. Petri*) و عنصرهای زبان فارسی (*Rvdimenta Lingvæ Persicæ*) چاپ شده و در برخی نسخه‌ها این سه اثر با یکدیگر تجلید شده است.

1. Typographia Medicea



تصویر ۲

که همگی در اواخر سده شانزدهم میلادی منتشر شده‌اند. از میان متون چاپ‌شده این چاپخانه می‌توان به نزهة المشتاق فی ذکر الامصار والاقطار والبلدان والجزر والمداین والآفاق اثر ادیسی در دانش جغرافیا (رم، ۱۵۹۱ م)، القانون فی الطب همراه با چند اثر دیگر ابن سینا در پزشکی و حکمت (رم، ۱۵۹۳ م) اشاره کرد.

چاپ آثار علوم طبیعی و ریاضی، جز در چاپخانه مدیچی در دیگر چاپخانه‌ها و کشورها و در ادوار بعدی همچنان رواج داشت، چنان‌که مثلاً نخستین چاپ کتاب پزشکی الجدری والحصبة اثر ابوبکر محمد بن زکریا الرازی در سال ۱۷۶۶ م در لندن منتشر شده است (Razi, 1766).

نکته دیگر اینکه چاپ متون اسلامی در چاپخانه‌های فرنگی، لزوماً برای استفاده اروپاییان انجام نمی‌شد بلکه جنبه بازرگانی نیز داشت. مطابق شواهد، برخی از این کتاب‌ها را بازرگانان آن سرزمین‌ها برای فروش به سرزمین‌های اسلامی و به‌ویژه محدوده حکومتی عثمانی می‌آوردند. در پایانِ متنِ چاپی کتابِ *تحریر اصول لاوقلیدس*^۱ که همین چاپخانه مدیچی منتشر کرده (رم، ۱۵۹۴ م)، متنِ فرمانی به چاپ رسیده که پادشاه عثمانی سلطان مرادخان (حک ۹۸۲-۱۰۰۳ ق) آن را در سال ۹۹۶ ق صادر و اشاره کرده است که دو تن از بازرگانانِ فرنگی که کتاب‌های چاپی (بصمه/باسمه) عربی، فارسی و ترکی را برای تجارت بدان سرزمین برده بودند، نزد او شکایت کرده‌اند که متاع ایشان را عده‌ای توقیف و تاراج کرده‌اند. لذا این فرمان صادر شده است تا در بازرگانی این دو شخص و نمایندگانشان در سرزمین عثمانی دخل و تجاوز نشود (تصویر ۳).

جز این گونه متون، تعدادی از کهن‌ترین فرهنگ‌های دو یا چندزبانه نیز در همین دوره‌ها تألیف و منتشر شده است. این گونه لغتنامه‌ها را عمدتاً مبلغان مذهبی یا فرستادگان سیاسی به سرزمین‌های شرقی نوشته و چاپ می‌کردند. برای نمونه مبلغ مذهبی فرانسوی پادری آنجلو کرملیط^۲ یک لغتنامه چهارزبانه (ایتالیایی - لاتینی - فرانسوی - فارسی) را با نام لغت فرنگ و پارس در سال ۱۶۸۴ م/۱۰۹۶ ق در آمستردام به چاپ رساند (آنجلو کرملیط، ۱۶۸۴) که از کهن‌ترین فرهنگ‌های فارسی به زبان‌های فرنگی است (نک: تصویر ۴). هم‌زمان با آنجلو کرملیط، یک فرهنگ بسیار مبسوط چهارزبانه (لاتینی - ترکی - عربی - فارسی) را فرانسیسکو مینسکی^۳ در چهار جلد در سال ۱۶۸۷ ق در شهر وین (اتریش) منتشر کرد (Meninski, 1687)^۴ که این هم از اقدم نمونه‌هاست (نک: تصویر ۵).

بنابراین در بررسی آثار چاپی فرنگیان و چگونگی پرداختن آن‌ها به منابع و زبان‌های اسلامی چندین عامل تأثیرگذار بوده‌اند که باید به آن‌ها توجه داشت.

۱. در متن چاپی اثر، خواجه نصیرالدین طوسی به‌عنوان نویسنده معرفی شده اما متنی جز *تحریر اصول الهندسه* طوسی، و از آثار نویسنده‌ای ناشناخته است.

2. Ange de Saint Joseph (1636-1697).

3. Franciscus à Mesgnien Meninski (1623-1698).

۴. این شخص یک فرانسوی تحصیل کرده در رم بود که مدتی از سوی لهستان در استانبول به سر برده، پس از آموختن زبان ترکی، به‌عنوان مترجم سفارتخانه لهستان به کار ادامه داد و پس از مدتی به معاونت سفیر لهستان منصوب شد. او از سال ۱۶۶۱ م به وین وارد شد و تا پایان عمر به‌عنوان مترجم زبان‌های شرقی در دستگاه سلطنتی اتریش مشغول کار بود و لغتنامه یادشده را در همین مدت منتشر کرد.

هذه صورة امير بادشاه اسلام السلطان ابن السلطان

السلطان مراد خان *

مفاخر الامراء الكرام مراجع الكبراء الفخام اولو القدر والاحترام
المختصين بمزيد عناية الملك العلام ممالك محروسه وواقع اولان سحاق
بكري وقبودانلردام عزيم ومفاخر القضاة والحكام بمعادن الفضائل
والكلام ذكر اولئان يرلرده اولان قاضيلر زيد فضلهم توقيع رفيع هايون
واصل اوليحق معلوم اولانه ممالك محروسه تجارت ايدن افرنج
تاجرلرندن دارندكان فرمان هايون برانتون واوراسبولد باندني
نام بازرگانلر درگاه معلومه كلوب ولايت فرنكستاندن تجارت ايچون
بعض متاع عربي وفارسي وتوركي باصفا بعض معتبر كتابلر ورساله لر
كنوروب ممالك محروسه كندو حاللرنده بيع وشرا ايدرلر ايكن
بعض كمسنه لر يولده وايزده واسكله ومعبرلرده فضولي يوكلرين ييتوب
دنكلرين بوزوب ايچندن بكنند وكلي اقمشه وساير امتعه قسه في اجه
سوز وجزي بها ايله جبرالوب وسرزه عربي وفارسي كتابلر نبلر ديو
تجارت ايچون كنوروب وكلي بجمع كتابلر في الميرندن الوب بها سن
وير محبوب وكندولرك ووكبللرينك وادمليرينك بيع وتجار تلرينه مانع
اولد قلرين بلدروب من بعد امن وامان اوزره كلوب كبديوب كندو
حاللرنده تجارت اتدوكلر نده دربر دخل المبوب منت ويكانا
متاعلري الغبوب ويوكلي بوزلر محبوب منع اولغف بابنده حكم هايونم
طلب اتدوكلي اجلدن بيوردم كه حكم شريفه هرقنكر ك تحت
حكومتنده داخل اولور لر ايسه يولده وايزده ومنازل ومراجلده
واسكارلر ومعبرده كندو حاللرنده امن وامان اوزره بيع وشرا وتجارت
ايدرلر كن خارجلدن برفردي متاعلرينه دخل اتدر محبوب وصاحبك
رضايي اولدين جبرال برنسنه لر ين اول مقوله كتابلرين غصب
اتدر محبوب هرنه الورلر ايسه حسن رضالريه بيع ايدنلردن بتمام
ذكر بها لريه الدروب اجه سوز وياكسوك بها ايله جزويدن وكبلدن
برنسنه لر ين الدرمبوب من بعد مذكوران بازرگانلره ووكبللرينه
وادمليرينه شرع شريفه وعهدنامه هايونه مخالف اصلا وقطعا كمسنه دخل
وتجاوز اتدر ميه سز ممنوع اولبوب عناد ومخالفت ايلنلري اسما
لريه يازوب عرض ايله سز بو خصوص ايچون تكرار شكاييت
اتدر ميه سز شويله بلسز وبعد اليوم بو حكم شريفه المرنده ابقا
ايدوب علامت شريفه اعتماد قلاسر * تحرير في اوائل ذي الح سنة
ست وتسعين وتسعين *

محروسه قسطنطينية *

لغة فرنك وپارس تاليف بنده و قربان حضرت ايسوع

پادري انجلى كرمليط مرلوشهر وديوان عظيم مسلكه فرنسده ملولون

GAZOPHYLACIUM LINGUÆ PERSARUM.

Triplici Linguarum Clavi

ITALICÆ, LATINÆ, GALLICÆ,

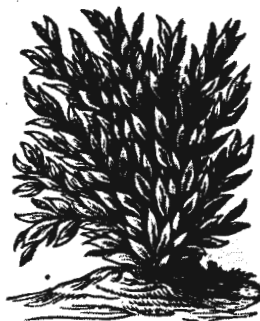
nec non specialibus præceptis ejusdem linguæ reſeratum.

*Opus Miſſionariis Orientalibus, Linguarum Profeſſoribus, Sacrorum
Bibliorum Scrutatoribus, Mercatoribus, cæteriſque Regionum Orien-
taliũ Inſtratoribus perutile, ac neceſſarium.*

AUTHORE

Reverendo adm : P. ANGELO à S. JOSEPH, Carmelitâ

*Excalceato, Tolofano, Miſſionario Apoſtolico, Superiore
Miſſionum ſui Ordinis in Belgio.*



AMSTELODAMI

Ex Officinâ JANSONIO-WAESBERGIANA: Anno 1684.

Cum Privilegio Regis Chriſtianiſſimi.

COMPLEMENTUM
THESAURI
LINGUARUM ORIENTALIUM,
SEU
ONOMASTICUM
LATINO-TURCICO-ARABICO-PERSICUM
SIMUL IDEM
INDEX VERBORUM

LEXICI TURCICO-ARABICO-PERSICI,
*Quod Latinâ, Germanicâ, aliarumque Linguarum
adjecâ nomenclatione nuper in lucem editum.*

ACCESSERUNT
*Præcipuis Onomastici Latinis vocibus significationes
Germanico-Italicæ, tum æquivocationibus evitandis, tum
Indici, qui vicem Vocabularii Germanico-aut Italico-Turcici
præstet, facilius concinnando.*

Auctore

FRANCISCO A. MESGNIEN MENINSKI,

SS. Sep. Equite Hierosolymitano, Sac. Cæs. Majest. Confiliario
Aulico-Bellico, ac Linguarum Orientalium Interprete primario,



VIENNÆ AUSTRIÆ, M. DC. LXXXVII.

Cum Gratia, & Privilegio S. Cæs. Majestatis.

تأسیس چاپخانه در سرزمین‌های اسلامی

شواهد بیانگر آن است که تأسیس چاپخانه در سرزمین‌های اسلامی بسیار دیرتر از اروپا رواج یافت. این موضوع دربارهٔ سه امپراتوری بزرگ اسلامی، یعنی ایران، هند و عثمانی صادق است، اما رواج چاپ در سه کشور به صورت هم‌زمان و به یک شکل انجام نگرفته است.

نکتهٔ شایان اهمیت در تأسیس چاپخانه در ایران و عثمانی آن است که نخستین چاپخانه‌های هر دو سرزمین را مبلغان مسیحی یا مسیحیان ساکن این مناطق تأسیس کرده و مدتی نیز به کار پرداخته‌اند، اما بعدها چاپخانه‌هایی با پشتیبانی دولت راه‌اندازی شد تا به انتشار کتاب‌های مورد نیاز حکومت بپردازند. در هند نیز نخستین چاپخانه‌ها را شرکت‌های تجاری-استعماری انگلیسی تأسیس کردند و پس از گسترش نفوذ انگلیسی‌ها در آن سرزمین، بسیاری از کتاب‌های اسلامی را همچنان کارگزاران انگلیسی با کمک نیروهای بومی چاپ می‌کردند.

اندکی پس از ابداع شیوهٔ چاپ سنگی (۱۲۱۱ ق/ ۱۷۹۶ م) که ابزار ساده‌تر و شیوهٔ کار آسان‌تر و سریع‌تری داشت، از حدود اواسط سدهٔ سیزدهم هجری، چاپخانه‌های بسیاری از این نوع در ایران و به‌ویژه هند تأسیس و شیوهٔ سنگی عملاً جایگزین چاپ سربی شد و انتشار متون را بسیار گسترش داد. ضمن اینکه رواج کارگاه‌های چاپ سنگی، صنعت چاپ را از انحصار حکومت‌ها خارج کرد؛ هرچند که در ایران و تا حدودی هند، حکومت‌ها همچنان در امور انطباعات دخالت یا نظارت داشتند.

برخلاف ایران و هند، چاپ سربی در سرزمین‌های زیر سیطرهٔ امپراتوری عثمانی همچنان به عنوان اصلی‌ترین شیوهٔ چاپ ادامه یافت و چاپ سنگی رواج چندانی نداشت. از مهم‌ترین مراکز چاپ در امپراتوری عثمانی «المطبعة الامیریة» است که در سال ۱۲۳۵ ق/ ۱۸۲۰ م در بولاق^۱ مصر برای چاپ آثار نظامی تأسیس شد، اما بعدها انتشار آثاری در موضوعات دیگر را نیز در برنامهٔ کاری خود قرار داد و به یکی از پرثمرترین مؤسسات انتشاراتی در سرزمین‌های اسلامی بدل شد. جز این، چند چاپخانهٔ سربی دیگر در سرزمین‌های تحت حکومت عثمانی (مانند شام) تأسیس شد که در برخی از آن‌ها آثار نسبتاً چشمگیری منتشر شده است.

بررسی تاریخچهٔ چاپ در سرزمین‌های اسلامی نیازمند مجالی گسترده است و در این کتاب نیز با جزئیات این موضوع سروکار نخواهیم داشت، اما آگاهی از تاریخچهٔ آغاز چاپ در این سرزمین‌ها اهمیت دارد؛ به‌ویژه که در این چاپخانه‌ها تصحیحاتی نیز بر روی متون چاپی انجام

۱. منطقه‌ای در شهر قاهره بر ساحل رود نیل.

شده است و این نمونه‌ها را باید جزو نخستین حرکت‌ها برای تصحیح متون چاپی به شمار آورد. اگرچه تأسیس چاپخانه در ایران را گروه‌های ارمنی برای نشر کتب مذهبی زودتر از سرزمین‌های هند و عثمانی آغاز کردند، اما چون تأسیس چاپخانه برای انتشار متون اسلامی در سرزمین عثمانی با پشتیبانی حکومتی آغاز شده و ضمناً برخی اطلاعات درباره تصحیح متون چاپی در آثار این سرزمین منعکس شده است، نخست به تأسیس چاپخانه در امپراتوری عثمانی و سپس هند و ایران خواهیم پرداخت.

تأسیس چاپخانه و تصحیح کتب چاپی در امپراتوری عثمانی

گزارش‌های پراکنده‌ای درباره تأسیس چاپخانه در سرزمین عثمانی به وسیله یهودیان در اواخر سده ۹ ق و سپس چاپخانه‌های ارمنیان در سده‌های دهم و یازدهم وجود دارد (کیوانی، ۱۳۷۴: ۵۳۶). همچنین گزارشی وجود دارد درباره تأسیس چاپخانه‌ای در دوره حکومت سلطان مراد چهارم (حک ۱۰۳۲-۱۰۴۹ ق) که توسط یسوعیان^۱ فرانسوی وابسته به کلیسای کاتولیک در کلیسای استانبول برای نشر مطالب تبلیغاتی تأسیس شده بود (اوزون چارشی‌لی، ۱۳۷۵: ۳۲۲). اما مانند بسیاری از موارد مشابه، این چاپخانه‌ها معمولاً استفاده درونی داشتند و در صورت فعالیت‌های تبلیغاتی به زودی برچیده می‌شدند.

جز این‌ها، نخستین چاپخانه رسمی محدوده حکومتی عثمانی، در سده دوازدهم هجری با پشتیبانی دربار در بیست و ششمین سال سلطنت احمدخان بن محمدخان (حک ۱۱۱۵-۱۱۴۳ ق) تأسیس شد. این چاپخانه را یک معجارتانی مسلمان شده به نام ابراهیم متفرقه ابن عبدالله المهدی الاستانبولی^۲ (د ۱۱۶۰ ق) در سال ۱۱۴۰ ق در شهر قسطنطنیه (استانبول) راه‌اندازی کرد و در حدود دو دهه فعالیت خود، موفق به چاپ حدود ۱۶ عنوان کتاب شد.

نخستین اثری که برای چاپ در این چاپخانه انتخاب شد، کتاب ترجمه الصحاح الجوهري معروف به لغت وان‌قولی اثر محمد بن مصطفی الوانی (د ۱۰۰۰ ق)^۳ تألیف ۹۹۷ ق است که

۱. Jesuits

۲. نام اصلی ابراهیم متفرقه مشخص نیست. عنوان «متفرقه» در دستگاه حکومتی عثمانی به برخی از کارگزاران حکومتی اطلاق می‌شد (صابان، ۱۴۲۱: ۲۰۰) و گویا این جزء از نام وی در واقع درجه یا عنوان حکومتی او بوده است، زیرا در بیشتر کتاب‌هایی که چاپ کرده، خود را از متفرقگان درگاه عالی معرفی کرده است. برای نمونه در پایان جلد نخست کتاب تاریخ نعیم آورده: «... ابراهیم الطابع من متفرقگان درگاه عالی فی البلده الطیبة قسطنطنیه» (نعیم، ۱۱۴۷: ۷۰۱/۱). درباره ابراهیم متفرقه و آثارش نک: قره‌بلوط، بی‌تا: ۱۱۹؛ کیوانی، ۱۳۷۴.

۳. درباره وان‌قولی و آثارش نک: قره‌بلوط، بی‌تا: ۳۲۳.

درواقع ترجمه ترکی کتاب تاج اللغة و صحاح العربیه اثر اسماعیل بن حماد الجوهری (د ۳۹۳ ق) در لغت عربی است. چون این اثر، بسیار حجیم است و از سویی فرمان بر آن بود که آثار این چاپخانه ابتدا «تصحیح» و سپس منتشر شود و این کار موجب توقف امور چاپخانه می شد، لذا انتشار اثری کوتاه تر با نام تحفه الکبار فی اسفار البحار در موضوع جغرافیا^۱ به زبان ترکی نوشته مصطفی بن عبدالله معروف به حاجی خلیفه (۱۰۶۷-۱۰۱۷ ق) هم زمان با آن آغاز شد. اگرچه چاپ این دو اثر با هم در جریان بوده است و قصد داشتند تحفه الکبار را زودتر منتشر کنند، اما تاریخ اتمام چاپ ترجمه الصحاح غره رجب (ماه هفتم) سال ۱۱۴۱ ق و کتاب دوم یعنی تحفه الکبار حدود چهار ماه بعد در غره ذی قعدة (ماه یازدهم) سال ۱۱۴۱ ق بوده است. لذا نخستین کتاب چاپی آن چاپخانه، همان ترجمه الصحاح به شمار می آید (تصویر ۶).

در آغاز نخستین جلد ترجمه الصحاح اطلاعاتی درج شده است که از دیدگاه تاریخ چاپ در سرزمین عثمانی اهمیت دارد، ضمن اینکه جزو کهن ترین گزارش ها در زمینه تصحیح متون، پیش از چاپ آن ها در سرزمین های اسلامی است و لذا در اینجا به این اطلاعات اشاره خواهیم کرد. در آغاز کتاب، نوشته ای از سوی ناشر درج شده است که به تشریح ماجرای تأسیس چاپخانه اشاره دارد و نشان می دهد که صدراعظم عثمانی داماد ابراهیم پاشا پس از تصمیم بر تأسیس چاپخانه، درباره جواز شرعی آن از شیخ الاسلام عبدالله افندی ینی شهری (د ۱۱۵۵ ق) استفتاء کرد. متن فتوا دوبار در آغاز همین کتاب چاپ شده است^۲ که علاوه بر صدور جواز شرعی برای صنعت چاپ، توصیه ای در زمینه تصحیح متون چاپی هم دارد که از دیدگاه تاریخچه تصحیح، اهمیت بسیار دارد.

در این فتوا نخست اشاره شده است که اگر شخصی ماهر در صنعت چاپ، کتابی تصحیح شده را با حروفی یکسان، به درستی و در زمانی اندک و تعداد بسیار منتشر کند، این افزایش تعداد به کاهش بهای کتاب انجامیده، موجب تسهیل دسترسی و تملک کتاب می شود و از این دیدگاه مورد تأیید است. در ادامه اشاره شده است که اگر [توسط وزیر یا شاه] فرموده شود تا اشخاصی برای تصحیح کتاب های چاپی تعیین شوند و به شخص چاپ کننده یاری دهند،

۱. گرچه موضوع این اثر در جغرافی است اما انتشار آن بیشتر با هدف جهاد انجام شده است. در مقدمه طابع کتاب اشاره شده که این اثر، رهبری حاذق برای سالکان راه جهاد در دریا و خشکی است. در تقریظاتی هم که شیخ الاسلام مصطفی افندی و سه قاضی عسکر عثمانی نوشته اند، به موضوع اهمیت کتاب برای جهاد اشاراتی شده است. جز این، انگیزه تألیف کتاب جهان نما اثر همین حاجی خلیفه هم که چهار سال بعد (۱۱۴۵ ق) در همین چاپخانه ابراهیم متفرقه چاپ شده نیز جنگ کُرت با افریطش بوده است (رئیس نیا، ۱۳۸۶: ۵۰۰).

۲. یک بار مستقلاً و یک بار در خلال فرمانی از سلطان احمدخان که بدان خواهیم پرداخت.

از کارهای بسیار نیکو خواهد بود.^۱ اهمیت این فتوا در آن است که در آن مقطع تاریخی، به ضرورت تصحیح کتاب‌ها برای چاپ توجه شده و چون مخاطب اصلی فتوا عملاً دستگاه حکومتی عثمانی بوده، به این توصیه عمل هم شده است.

از فحوای مقدمه ناشر برمی‌آید که داماد ابراهیم پاشا پس از دریافت اجازه از شیخ الاسلام عبدالله افندی، فرمانی از پادشاه مبنی بر اجازه تأسیس چاپخانه دریافت کرد. متن این فرمان بلافاصله پس از مقدمه ناشر چاپ شده است.

این فرمان، خطاب به سعید[افندی] و ابراهیم متفرقه صادر شده است تا به موجب آن عمل شود. در آنجا خطاب به این دو تن آمده است: رساله‌ای که شما درباره اهمیت و فواید صنعت چاپ فرستاده بودید^۲ و اذن و رخصت آن را خواسته بودید، نزد شیخ الاسلام عبدالله افندی فرستاده شد^۳ و چون او فواید صنعت چاپ را تأیید کرد، مساعدۀ همایونی‌ام را به شما ارزانی داشتم و چهار تن از علما^۴ برای این کار تعیین شدند تا کتاب‌ها پس از «تصحیح» ایشان به چاپ سپرده شود. تاریخ این فرمان سال ۱۱۳۹ ق است و نشان می‌دهد که آماده‌سازی چاپخانه تا انتشار نخستین اثر، حدود دو سال زمان برده است.

فهرست کتاب‌های چاپ‌شده به وسیله ابراهیم متفرقه را همراه با شمارگان آن‌ها در زیر می‌بینیم.^۵ چنان‌که دیده می‌شود، عمده این متون در زمینه لغت، تاریخ، جغرافیا و برخی علوم وابسته به آن‌هاست. علومی که در آن مقطع زمانی می‌توانست از دیدگاه کاربردی سودمند افتد. شماری از این آثار را خود ابراهیم متفرقه و برخی از معاصران او نوشته‌اند.

۱. عبارات متن اصلی فتوا به زبان ترکی چنین است: «بسمه صنعتنده مهارتی اولان کمسنه بر مصحح کتابک حروف و کلماتی بر قالبه صحیحاً نقش ایدوب اوراقه بصمغله زمان قلیله بلامشقه نسخ کثیره حاصل اولوب، کثرت کتب رخیص بهایله تملکه باعث اولور بو وجهله فایده عظیمه‌یی مشتمل اولمغله اول کمسنه به مساعدۀ اولنوب برقاج عالم کمسنه‌لر صورتی نقش اولاجق کتابی تصحیح‌ایچون تعیین بیوریلور ایسه غایت مستحسنه اولان اموردن اولور. کتبه عبدالله الفقیر عفی عنه».

۲. مقصود، رساله‌ای به زبان ترکی از ابراهیم متفرقه موسوم به «وسيلة الطباعة» است که متن آن در آغاز ترجمۀ الصالح نیز چاپ شده است. متن این رساله همراه با ترجمۀ فارسی و اطلاعاتی درباره ابراهیم متفرقه در مقاله‌ای منتشر شده است (ذوقی، ۱۳۹۰) که عموماً سودمند است، اما چون برخی لغزش‌ها در آن راه یافته، اطلاعات این بخش را با بررسی مستقیم کتاب‌های چاپی ابراهیم متفرقه تدوین کردیم.

۳. در این بخش از فرمان، متن فتوا درج شده است.

۴. نام این اشخاص در متن فرمان درج شده که باید آن‌ها را جزو نخستین کسانی دانست که به تصحیح کتاب‌ها جهت چاپ اقدام کرده‌اند.

۵. شمارگان هر کدام از کتاب‌های چاپ‌شده آن چاپخانه تا سال ۱۱۴۶ ق در پایان جلد دوم تاریخ نعیمه درج شده است که این اطلاعات در دنباله نام هر اثر آورده می‌شود.

۱. ترجمه الصحاح الجوهری اثر محمد بن مصطفی الوانی (چاپ ۱۱۴۱ ق، در ۱۰۰۰ نسخه).
۲. تحفة الکبار فی اسفار البحار اثر کاتب چلبی / حاجی خلیفه (چاپ ۱۱۴۱ ق، در ۱۰۰۰ نسخه).
۳. ترجمه تاریخ سیاح در بیان ظهور اغوانیان^۱ و سبب انهدام بناء دولت شاهان صفویان اثر ابراهیم متفرقه (چاپ ۱۱۴۲ ق، در ۱۲۰۰ نسخه).^۲
۴. تاریخ الهند الغربی^۳ المسمى بحديث نو اثر امیر محمد بن حسن المسعودی العثماني^۴ (چاپ ۱۱۴۲ ق، در ۵۰۰ نسخه).
۵. تاریخ مصر الجدید و تاریخ مصر القدیم اثر سهیلی افندی (چاپ ۱۱۴۲ ق، در ۵۰۰ نسخه).
۶. تاریخ تیمور گورکان که ترجمه ترکی حسین مرتضی بن سیدعلی نظمی زاده افندی بغدادی (د ۱۱۳۶ ق)^۵ از عجائب المقدور ابن عربشاه است (چاپ ۱۱۴۲ ق، در ۵۰۰ نسخه).
۷. گلشن خلفا اثر نظمی زاده افندی (چاپ ۱۱۴۳ ق، در ۵۰۰ نسخه).
۸. فیوضات مغناطیسیه اثر ابراهیم متفرقه (چاپ ۱۱۴۴ ق، در ۵۰۰ نسخه).
۹. اصول الحکم فی نظام الامم اثر ابراهیم متفرقه (چاپ ۱۱۴۴ ق، در ۵۰۰ نسخه).
۱۰. جهان‌نما در جغرافیا به ترکی اثر کاتب چلبی / حاجی خلیفه (چاپ ۱۱۴۵ ق، در ۵۰۰ نسخه).
۱۱. تقویم التواریخ در تاریخ به ترکی اثر کاتب چلبی (چاپ ۱۱۴۶ ق، در ۵۰۰ نسخه).
۱۲. تاریخ نعیم اثر مصطفی بن محمد الحلبي ثم الاستانبولی العثماني (چاپ ۱۱۴۷ ق، در ۵۰۰ نسخه).
۱۳. تاریخ چلبی زاده افندی اثر اسماعیل عاصم افندی بن محمد الشهیر بکوچک چلبی زاده در گذشته ۱۱۷۳ ق^۶ (چاپ ۱۱۵۳ ق).

۱. بعدها در مقدمه چاپ تاریخ مصر الجدید این نام به «افغانیان» تصحیح شد.
۲. ترجمه‌ای به زبان ترکی به شیوه آزاد از یک متن لاتینی درباره اواخر حکومت صفوی و هجوم افغان‌ها نوشته Tadeusz Jan Krusiński است که در سال ۱۱۴۱ ق به پایان رسیده و یک سال بعد چاپ شده است. ترجمه فارسی این کتاب کمتر از یکصد سال بعد به قلم عبدالرزاق دنبلی (۱۱۷۶-۱۲۴۳ ق) به نام بصیرت‌نامه انجام شد. در مقدمه این ترجمه به باسمه‌خانه اسلامبول و ابراهیم متفرقه اشاره شده است: «... به زبان لاتین نوشته؛ این نسخه به اسلامبول رسید و از ملترین دربار خواندگار روم، ابراهیم نامی آن کتاب را به زبان ترکی درآورده در باسمه‌خانه اسلامبول که آن را دارالطباعه گویند باسمه کرده و مسمی به بصیرت‌نامه ساخت» (دنبلی [۱۳۶۸]: ۲۵).
۳. مقصود از هند غربی، قاره امریکاست.
۴. درباره انتساب اثر به این نویسنده نک: قره‌بلوط، بی تا: ۲۶۳۳.
۵. درباره او و آثارش نک: همان: ۱۰۱۶-۱۰۱۸.
۶. درباره او و آثارش نک: همان: ۶۹۵.

۱۴. تاریخ راشد/ افندی اثر محمدراشد بن مصطفی الملطی العثماني در گذشته ۱۱۴۸ ق (چاپ ۱۱۵۳ ق).

۱۵. احوال غزوات در دیار بوسنه اثر ابراهیم متفرقه (چاپ ۱۱۵۴ ق).

۱۶. لسان العجم اثر شعوری (چاپ ۱۱۵۳-۱۱۵۵ ق).

چنان که می‌بینیم، در طول حدود ۱۴ سال فقط ۱۶ عنوان اثر در این چاپخانه منتشر شده است و اگرچه برخی از آن‌ها کتاب‌های بسیار مبسوطی هستند، اما این تعداد از عناوین، نشان‌دهنده محدودیت کار است.

شواهد بیانگر آن است که پس از درگذشت ابراهیم متفرقه، چاپ کتاب در «دارالطباعة المعمورة» مدتی متوقف شده است، زیرا بعدها فرمانی از سوی سلطان عثمان بن مصطفی (حک ۱۱۶۸-۱۱۷۱ ق) خطاب به دو تن از قاضیان عثمانی صادر شد تا چاپخانه را که پس از فوت ابراهیم متفرقه معطل مانده بود، دوباره احیاء کنند. این فرمان که مورخ ۱۱۶۸ ق (یعنی آغاز حکومت عثمان سوم) است در آغاز چاپ دوم کتاب لغت وان‌قولی^۱ منتشره در ۱۱۷۰ ق به چاپ رسیده است.

تأسیس چاپخانه در امپراتوری هند

گزارش‌ها نشان‌دهنده آن است که نخستین چاپخانه‌ها برای انتشار متون خط عربی/ فارسی در سرزمین هند در اواخر قرن دوازدهم هجری تأسیس شده است. از کهن‌ترین نمونه‌های چاپ‌شده در این دوره، یک لغتنامه انگلیسی به فارسی است که برای استفاده در شرکت سرمایه‌گذاری هند شرقی نوشته شده و در سال ۱۷۸۰ م (۱۱۹۴ ق) به چاپ رسیده است (Gladwin, 1780)^۲ (نک: تصویر ۷).

۱. نام یادشده در بالا، نام مشهور ترجمه الصحاح یعنی همان نخستین کتاب چاپی ابراهیم متفرقه و در واقع چاپ دوم آن است.

۲. چاپخانه منتشرکننده این کتاب مشخص نیست، اما در صفحه عنوان، نام «چارلس ولکنس» به چاپ رسیده است و این شخص به احتمال بسیار باید Sir Charles Wilkins (۱۷۴۹-۱۸۳۶ م) شرق‌شناس و خوشنویس باشد که حروف سری نستعلیق را برای چاپ کتاب‌های فارسی طراحی کرد. او چهار سال بعد در تأسیس انجمن آسیایی بنگال (Asiatic Society of Bengal) مشارکت داشت. با این مقدمات، چون فرهنگ دوزبانه فوق‌الذکر برای استفاده در شرکت سرمایه‌گذاری هند شرقی منتشر شده، احتمالاً کتاب را چاپخانه‌ای متعلق یا وابسته به این شرکت منتشر کرده است.

A

COMPENDIOUS VOCABULARY
ENGLISH AND PERSIAN

INCLUDING

ALL THE

ORIENTAL SIMPLES in the *Materia Medica*, employed in modern practice:

WITH

TABLES subjoined of the SUCCESSIONS of the KHALIFFS, and of the
KINGS OF PERSIA AND HINDOSTAN,

Compiled for the Use of the

HONORABLE EAST INDIA COMPANY

BY

FRANCIS GLADWIN.

نمونه است بادامنی کوهرم
که در بحر لولو صرف نیز هست
درخت بانداست در باغ پست
ای خردمند فرغنده نوبی
نمازم اسرایه فضل خویش
بدر دیزه آورده ام دست پیش



[1750]

تصویر ۷ صفحه عنوان لغت گلادوین

جز این اثر که فرهنگی دوزبانه است، یکی از کهن ترین متون چاپی فارسی آن سرزمین،
متنی با نام انشای هرکرن^۱ است که در سال ۱۷۸۱ م (۱۱۹۵-۱۱۹۶ ق) همراه با ترجمه انگلیسی و

۱. این اثر که با نام ارشاد الطالبین نیز خوانده شده، نوشته هرکرن بن مهتر اداس کنبوه ملتانی از منشیان روزگار
جهانگیر گورکانی (۱۰۱۴-۱۰۳۷ ق) است که آن را در میانه سال های ۱۰۳۱-۱۰۳۲ ق نگاشته است (منزوی،
۱۳۶۲: ۱۰۵-۹۲/۵؛ نوشاهی، ۱۳۹۱: ۲۲۶ و ۱۳۲۷-۱۳۲۸). نسخه ها و چاپ های فراوان این اثر نشان دهنده رواج
بسیار آن در شبه قاره است. متن که در ۱۷۸۱ م چاپ شده، گزیده ای از اثر است.

فهرست کلمات عربی به چاپ رسیده است (Herkern, 1781). این اثر شامل الگوها و نمونه‌هایی برای نگارش انواع مکتوبات فارسی و به عبارتی، دستورِ نامه‌نویسی است. از کهن‌ترین نمونه‌های چاپ متونِ کهنِ فارسیِ ایرانی در هند می‌توان به چاپی از دیوان حافظ شیرازی با عنوان دیوان خواجه حافظ شیرازی معه دیباچه و قصاید اشاره کرد که در سال ۱۷۹۱ م منتشر شده است (حافظ شیرازی، ۱۷۹۱) (نک: تصویر ۸).



دیوان خواجه حافظ شیرازی معه دیباچه و قصاید

T H E W O R K S

O F

H A F E Z:

W I T H

AN ACCOUNT OF HIS LIFE AND WRITINGS.



تصویر ۸ صفحه عنوان دیوان حافظ چاپ ۱۷۹۱ م

چنان که اشاره شد، پس از ابداع چاپ سنگی، شبه‌قاره هند به یکی از اصلی‌ترین مراکز چاپ کتاب‌های فارسی بدل شد و متون بسیار فراوانی در آن سرزمین منتشر شد که گاهی استفاده از آن‌ها برای تصحیح متون ضرورت بسیار دارد.

تأسیس چاپخانه در ایران

کهن‌ترین گزارش درباره تأسیس چاپخانه در ایران، نوشته مبلغ مذهبی فرانسوی پادری آنجلو کرملیط در کتاب لغت فرنگ و پارس است که آن را در سال ۱۰۹۶ ق چاپ کرده است. او در ذیل مدخل «باصمه‌خانه» (چاپخانه) اشاره کرده که در زمان تألیف کتاب، پادریان کرملیط چاپخانه‌ای با حروف چاپی عربی و فارسی داشتند و همچنین ارامنه جلفای اصفهان دارای چاپخانه‌ای با حروف ارمنی بوده‌اند:

حضرات پادریان کرملیط میدانی میر، بسمه عربی و پارسی در خانه خود ساخته بودند و هنوز دارند. و ارامنا (ارامنه) نیز در جلفه^۱ بسمه ارمنی داشته. لیکن هیچ یکی نیک انجام در عمل نیافته از سبب خشکی هوا (آنجلو کرملیط، ۱۶۸۴: ۴۱۶).^۲

با این حال شواهد نشان می‌دهد که پادریان کرملیط نتوانستند از چاپخانه عربی و فارسی خود استفاده گسترده‌ای داشته باشند و اگر هم آثاری چاپ کرده‌اند، نمونه‌ای از آن تاکنون گزارش نشده است، اما چاپخانه ارامنه توانست به کار خود ادامه دهد؛ زیرا کهن‌ترین گزارش از چاپ سری در ایران، چاپ کتاب ساغموس (زبور داود) به زبان ارمنی در همان چاپخانه جلفای اصفهان است که در سال ۱۶۳۸ م / ۱۰۱۷ ش منتشر شده است (میناسیان، ۱۳۷۹: ۱۰).^۳ بنابراین،

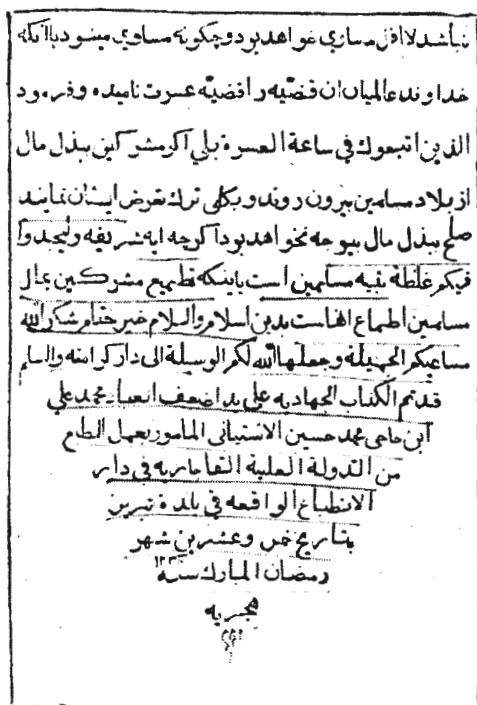
۱. منظور جلفای اصفهان است.

۲. به این آگاهی نخستین بار سیدحسن تقی‌زاده اشاره کرده است (تقی‌زاده، ۱۳۳۹: ۱۱). گفتنی است که کاربرد «بسمه» برای مفهوم چاپ کتاب در کتاب آنجلو کرملیط، جزو کهن‌ترین نمونه‌های این کاربرد است زیرا در آن دوره «بسمه» را برای چاپ نقوش بر روی پارچه (امروزه: قلمکار) به کار می‌بردند. برای نمونه در متن فارسی بی‌نامی که در سال‌های ۱۶۳۵-۱۶۴۰ م (۱۰۴۵-۱۰۵۰ ق) دو مبلغ یسوعی در اصفهان نوشته‌اند، ذیل سرفصل «صفت بسمه‌چی» به همان چاپ بر روی پارچه اشاره شده است (افکاری، ۱۳۸۴-۱۳۸۵: ۱۰).

۳. تقی‌زاده به نقل از نامه‌ای که هوتم‌شیندلر (General A. Houtum Shindler) برای او فرستاده بود درباره چاپخانه جلفا نوشته است: «تقریباً سی سال بعد از اینکه شاه عباس اول در سنه ۱۰۱۳ چند هزار خانواده ارامنه را از جلفای قفقازیه به اصفهان کوچانید و در نزدیک آن شهر ساکن ساخت، کتب متعدد با حروف ارمنی چاپ کرده ابتدا از تاریخ ۱۰۵۰ در کتابخانه‌ها موجود است و قسمی از حروف قدیم، الحال هم در نمازخانه جلفا حاضر است» (تقی‌زاده، ۱۳۳۹: ۱۲). راثین، نخستین کتاب چاپخانه جلفا را کتاب هارانتس وارک (سرگذشت پدران روحانی) چاپ ۱۶۴۱ م (۱۰۵۱ ق) دانسته است (راثین، ۱۳۴۷: ۲۱ و ۲۴).

نخستین کتاب چاپی ایران کمابیش دویست سال پس از چاپ نخستین کتاب در فرنگ انجام شده که آن هم اثری به زبان و خط ارمنی بوده است.

اما جز این گونه کتاب‌های چاپ‌شده به خط و زبان‌های دیگر، نخستین کتاب چاپ‌شده با حروف مجزای عربی/فارسی در ایران، رساله جهادیه اثر میرزا عیسی قائم مقام فراهانی است که دو بار در سال‌های ۱۲۳۳ و ۱۲۳۴ ق در شهر تبریز به چاپ رسیده است^۱ (تصویر ۹) و می‌بینیم که باز با آغاز رواج چاپ در فرنگ فاصله بسیاری دارد.



تصویر ۹ صفحه پایان رساله جهادیه چاپ ۱۲۳۳ ق (نخستین کتاب فارسی چاپ ایران)

در مقدمه باز چاپ جدید رساله جهادیه، جدولی از چاپ‌های محمدعلی بن محمدحسین تبریزی یعنی دایرکننده دستگاه چاپ سربی در تبریز ارائه شده که شامل ده اثر چاپی میان سال‌های ۱۲۳۳ تا ۱۲۶۱ ق است (قائم مقام فراهانی، ۱۳۹۳: ۴۰). جز این‌ها چند کتاب دیگر نیز

۱. هر دو چاپ رساله جهادیه به شیوه افست در ایران تجدید چاپ شده‌اند (قائم مقام فراهانی، ۱۳۹۳؛ همو، بی‌تا).

به وسیله دیگران در همان دوره چاپ شده که بیانگر وجود چاپخانه‌های دیگری در ایران است؛ از جمله: *حیات‌القلوب* اثر محمدباقر بن محمدتقی به کوشش میرزا زین‌العابدین (چاپ طهران، ۱۲۴۰ ق)^۱؛ *مآثر سلطانیه* به کوشش ملا محمدباقر تبریزی (چاپ تبریز، ۱۲۴۱ ق)؛ *محررق‌القلوب* به کوشش عبدالرزاق اصفهانی (بی‌جا، ۱۲۴۸ ق)^۲.

این کتاب‌ها با دستگاه‌های چاپ وارداتی از کشورهای فرنگی به چاپ می‌رسید و چون تعمیر و نگهداری دستگاه‌ها و به خصوص ساختِ حروفِ سربی نسبت به زمانِ خود نیازمند صنعت پیشرفته بود، عملاً چاپ سربی در ایران با شکست رویاروی شد و فقط چند کتاب محدود به چاپ رسید که انتشار آن‌ها یا مانند *رساله جهادیه* و برخی کتاب‌های چاپ‌شده در سرزمین عثمانی، از سوی حکومت پشتیبانی می‌شد و یا متون دینی مورد استفادهٔ طلاب علوم دینی و آثار آموزش مناسک برای استفادهٔ افراد دین‌دار بودند.

چاپ سنگی

چنان‌که اشاره شد، تقریباً هم‌زمان با ورود دستگاه‌های چاپ سربی به ایران، شیوهٔ «چاپ سنگی» نیز رواج یافت. چاپ سنگی در این دوره به تازگی ابداع شده بود و چون نیاز به صنعت چندان پیشرفته‌ای نداشت و مواد اولیهٔ آن آسان‌تر قابل تهیه بود و ضمناً آماده‌سازی کتاب وقت کمتری می‌گرفت، عملاً چاپ سنگی در ایران و به خصوص هند، جایگزین چاپ سربی شد. به همین دلیل بیشترین کتاب‌های چاپی ایران و هند، در دورهٔ قاجار به شیوهٔ چاپ سنگی منتشر شده‌اند.

البته رواج چاپ سنگی و سربی در ایران - و تا حدودی هند - حتی تا پایان دورهٔ قاجار نیز چندان گسترده و فراگیرندهٔ علوم گوناگون نبود تا پاسخگوی همهٔ نیازها باشد و لذا کتابت نسخه‌های خطی تا پایان این دوره همچنان در ایران و هند رواج داشت. به همین دلیل معمولاً محدودهٔ بررسی نسخه‌های خطی دورهٔ اسلامی را از کهن‌ترین دست‌نویس‌های بازمانده از قرون اولیهٔ اسلامی تا پایان دورهٔ قاجار یعنی تقریباً از سدهٔ سوم تا سدهٔ چهاردهم هجری قمری در نظر می‌گیریم.^۳

۱. یک نسخه از این چاپ در کتابخانهٔ آستانهٔ مقدسهٔ قم موجود است.

۲. نسخه‌ای از هر دو چاپ اخیرالذکر در کتابخانهٔ اسعدافندی (استانبول) موجود است.

۳. تعیین محدودهٔ آغاز این دوره یعنی سدهٔ سوم هجری مربوط به نسخه‌های تاریخ‌دار است. با این حال باید توجه داشت که شماری از نسخه‌های پیش از این دوره (به‌ویژه مصحف‌ها) بعضاً تاریخچهٔ نسخه‌شناسی اسلامی را به نخستین دهه‌های ظهور اسلام می‌رساند. در زمینهٔ اسناد نیز نمونه‌هایی از صدر اسلام به دست آمده است.